


States and the Border Walling Discourse: Challenges and Consequences

Afshin Karami *  Assistant Professor, Department of Political Geography,
Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Abstract

When a wall is built, it contains a message at every scale and every level. The message of separating "us" from "them", "self" from "other", "desirable" from "undesirable", the message of creating boundaries and fencing of belongings and assets. The countries of the world are strengthening their international borders to an unprecedented extent. These walls are artifacts of the new age in international relations and a new concept of the idea of borders. This article considers the wall a global phenomenon; A phenomenon that is spreading and developing in the globalized world, mainly due to the feeling of insecurity of the State. Along with the walled discourse, new security requirements are emerging across States' geographical borders. These requirements can change States' relations with their neighbors and the way they treat immigrants and citizens of other countries. The question of the present study is whether the discourse of border walling and fencing can lead to increased security? And what challenges the discourse of fencing and Walling will pose to States, institutions, and immigrants. In this research, an attempt is made to deal with different dimensions of the discourse of walling and fencing and its political-geographical consequences are analyzed.

Keywords: State, Wall, Fence, Border, Security


* A.karami@scu.ac.ir

How to Cite: Karami, A. (2022). States and the Border Walling Discourse: Challenges and Consequences. *State Studies*, 8(30), -.
doi: 10.22054/tssq.2022.67657.1249



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حکومت‌ها و گفتمان دیوارکشی مرز: چالش‌ها و پیامدها

افشین کرمی*  استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

ساخت دیوار در میان جوامع انسانی پدیده‌ای رایج محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را امری بی‌سابقه دانست. وقتی دیواری احداث می‌شود، در هر مقیاس و هر سطحی که می‌خواهد باشد - سطح حکومتی، سطح فردی، سطح اجتماعی - حاوی نوعی پیام است. پیام جداسازی «ما» از «آنها»، «خود» از «دیگری»، «مطلوب» از «نامطلوب»، پیام ایجاد مرز و حصارکشی متعلقات و دارایی‌ها. کشورهای جهان به میزان بیسابقه‌ای در حال تقویت مرزهای بین‌المللی خود هستند. این دیوارها مصنوعات عصر جدید در روابط بین‌الملل و مفهوم تازه‌ای از ایده مرز هستند. این مقاله دیوار را پدیده‌ای جهانی می‌داند؛ پدیده‌ای که اساساً به دلیل احساس ناامنی حکومت در دنیای جهانی شده در حال گسترش و توسعه است. همراه با گفتمان دیوارکشی الزامات جدید امنیتی در مرزهای جغرافیایی کشورها در حال پدیدار شدن است. پرسش پژوهش حاضر این است که آیا گفتمان دیوارکشی و حصارکشی مرز می‌تواند منجر به افزایش امنیت شود؟ و اینکه گفتمان دیوارکشی و حصارکشی چه چالش‌هایی برای حکومت، نهادها و مهاجران به همراه خواهد داشت. فرض پژوهش حاضر بر این است که الزامات جدید امنیتی می‌تواند روابط کشورها با همسایگان و نوع برخورد با مهاجران و اتباع سایر کشورها را دچار دگرگونی فزاینده کند. در این پژوهش تلاش می‌شود با رویکردی نظری و مفهومی، به ابعاد مختلف گفتمان دیوارکشی و حصارکشی پرداخته و پیامدهای سیاسی - جغرافیایی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: حکومت، دیوار، حصار، مرز، امنیت

مقدمه

در سال ۲۰۱۳ ترکیه به چهارمین کشوری تبدیل شد که ظرف کمتر از دو سال، برنامه‌های ساخت یک دیوار مرزی جدید را اعلام کرد. بعد از بلغارستان، یونان در دسامبر ۲۰۱۲ حصارى را در امتداد مرز خود با ترکیه ایجاد کرد. اسرائیل نیز در ژانویه ۲۰۱۳ بخش زیادی از مرز خود با مصر را تکمیل کرد و به تقویت ۵۶ کیلومتر از استحکامات مرزی خود با سوریه پرداخت. اسرائیل همچنین به دنبال ارتقا و گسترش حصارهای مرزی خود با اردن است. ترکیه اعلام کرده برای حل معضلات امنیتی خود در مرز سوریه، دیوار مرزی خواهد ساخت (Wallet, 2014:1). ترکیه همچنین در سال ۲۰۲۱ ساخت دیوار در امتداد مرزهای خود با ایران را نیز آغاز کرده و بخش‌هایی از آن را به بهره‌برداری رسانده است. مطمئناً ایده تقویت مرز، ایده جدیدی نیست. از زمان ایجاد حفاظ‌های رومی در قرن دوم میلادی (که شامل دیوار هاردین و دیوار آنتونین^۱ در اسکاتلند می‌شد)، ساخت دیوار بزرگ چین که در قرن سوم قبل از میلاد آغاز شد، بنای پادشاه گودفرد دانورک دانمارک^۲ در قرن هفتم، دیوارهای سیلیسی^۳ و بنای گنکو بوروی ژاپنی^۴ که برای محافظت از جزیره کیوشوی^۵ شمالی در برابر تهاجمات مغول‌ها ساخته شد تا ساختارهای مدرن‌تر مانند دیوار برلین، مفهوم «دیوار» عنصری ثابت در روابط بین‌الملل بوده است. اما با سقوط دیوار برلین (و نظم نوین جهانی که پس از آن پدید آمد)، دوره‌ای از جهانی‌شدن آغاز شد که به نظر می‌رسید سایه منسوخ‌شدگی بر روی حکومت انداخت. با حرکت آشکار به سمت جهان بدون مرز - یا حداقل جهانی که در آن مرزها اهمیت کمتر و کمتری داشته باشند - دانشگاهیان گذر از تعبیرهای حکومت‌محور درباره روابط بین‌الملل را آغاز کردند (Passi, 1998:70-71). در حالی که ناظران در پی سقوط دیوار برلین به این نتیجه رسیده بودند که جهان به هیچ‌وجه یکسان نیست، مرزها، دیوارها و موانعی که نماد جهان دوقطبی بودند و انتظار می‌رفت از

-
1. Hadrian's Wall and the Antonine Wall
 2. King Gudfred of Denmark's Danevirke
 3. Silesian Walls
 4. Japanese genko borui
 5. Kyushu

بین بروند، پس از یازده سپتامبر و همراه با گفتمان مرزی جدید، دوباره اهمیت پیدا کردند (Newman, 2006: 3-4).

دیوارها بعد از جنگ سرد عملاً ناپدید نشدند (دوازده دیوار هنوز برپا بود که نیمی از آن در خدمت اهداف مرسوم بود؛ دیوارهای بین آفریقای جنوبی، موزامبیک و زیمبابوه، بین اسرائیل و سوریه، اسرائیل و لبنان، چین و هنگ‌کنگ، چین و ماکائو، رودزیا، موزامبیک و زامبیا، کوبا و ناحیه گوانتانامو، مرحله اول دیوار بین هند و پاکستان، دیوار موجود در منطقه غیرنظامی بین دو کره، خط جداکننده در قبرس و دیوار مراکش در صحرای غربی همگی از پایان جنگ سرد جان سالم به در بردند). اما آنچه ما را به سمت سخن گفتن از «بازگشت» دیوارهای مرزی هدایت می‌کند، تباین بین گفتمان «دنای بدون مرز» و تجدید حیات دیوارسازی به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۱ است. دیوارسازی در سال ۱۹۴۵ و ۱۹۹۱ با ۱۹ مورد به اوج خود رسید و با رسیدن به ۱۲ مورد در پایان جنگ سرد مقداری رو به افول رفت. این روند با اضافه شدن چهارده دیوار جدید در طول دهه بعد از جنگ سرد دوباره رونق گرفت (Wallet, 2014: 1). کشورهای جهان به میزان بی‌سابقه‌ای در حال تقویت مرزهای بین‌المللی خود هستند. بر اساس برخی برآوردها در پایان جنگ جهانی دوم تنها هفت کشور مرزهای خود را با دیوارها یا حصارها تقویت کرده بودند. تا پیش از سقوط دیوار برلین در ۱۹۸۹، این تعداد به تدریج به پانزده مورد رسید. اما تا سال ۲۰۱۸ و تقریباً ۳۰ سال پس از پایان جنگ سرد و پیدایش گفتمان «جهان بدون مرز»، این تعداد به بیش از ۷۵ مورد افزایش یافت که اکثر آنها نیز پس از ۱۱ سپتامبر و یا در واکنش به بحران موسوم به پناهندگی جهانی پس از سال ۲۰۱۵ پدید آمدند (Linebarger & Braithwaite, 2020: 487). در حقیقت، علیرغم مزایای متعددی که جهانی شدن به همراه داشته است، از جمله تجارت آزاد، ارتباطات و مهاجرت، کشورها در حال حاضر بخش قابل‌توجهی از منابع خود را صرف امنیت مرزی کرده‌اند (Brown, 2010: 41). یکی از دلایلی که کشورها دست به ساخت این نوع استحکامات مرزی می‌زنند محدود کردن جریان شبه‌نظامیان در مرزهای بین‌المللی است. برای مثال پاکستان در سال ۲۰۰۶ به منظور کاهش تعداد حملات مرزی در امتداد مرز با افغانستان دست به ساخت حصار مرزی زد. در سیاست مدرن نمونه‌های از این دست فراوان است و طرفداران آن استدلال می‌کنند که استحکامات نوعی ابزار مقرون به صرفه برای پیش

مرزی است و برعکس منتقدان ادعا می‌کنند ارزش دیوارها و حصارها عمدتاً نمادین بوده و سرشار از پیامدهای ناخواسته است (Wallet, 2016: 73). این گونه به نظر می‌رسد که دیوار مدرن به‌عنوان پدیده‌ای «پساوستفالیایی» فراتر از محدوده ساختارهای نظامی قرار می‌گیرد؛ این دیوارها مصنوعات عصر جدید در روابط بین‌الملل و مفهوم تازه‌ای از ایده مرز هستند. دیوارهای مرزی به «خطوط گسل جهانی شدن» و نیز نشان‌گرهای هویت، ابزارهای تمایزگذاری و ابزارهایی در خدمت حاکمیت دولت تبدیل شده‌اند. تا سال ۲۰۱۳، ایالات متحده، اسرائیل، یونان، اسپانیا و هند در مجموع شش هزار کیلومتر دیوار داشته‌اند. از سال ۲۰۰۱ به بعد، هدف از دیوارهای جدید این بوده که خط مقدم را به مرز دوفاکتو برای مقابله با دو تهدید مهاجران و تروریست‌ها تبدیل کند (دو موردی که گاهی در گفتمان طرفداران دیوار، دارای هم‌پوشانی است). حاصل این کار ایجاد یک دیوار بزرگ و سراسری بوده (Davis, 2007: 172) که حرکت مهاجران از جنوب به سمت مرکز را تقریباً غیرممکن کرده است. تلاش برای نفوذناپذیری مطلق باعث ایجاد نظام‌هایی از هنجارها، روادیدها، استثناها و فرایندهای اخراج می‌شود که با قطعه‌قطعه کردن قلمرو، در نهایت باعث خلق حریم‌هایی حفاظت‌شده می‌شود. با این حال دیوارها هنوز هم واقعاً رسوخ‌ناپذیر نیستند (Staniland, 2005: 31-34). از برخی جنبه‌ها شاید دیوارها گمراه‌کننده باشند، به این سبب که موجب راهبردهای دور زدن و مسیرهای جایگزین می‌شوند. این طور به نظر می‌رسد که هدف واقعی آن‌ها حفظ حس امنیت و هویت است. دیوارها شواهد ملموسی هستند که نشان می‌دهند دولت‌ها مشغول انجام کاری هستند (Hassner & Wittenberg, 2009). این قضیه مطمئناً درست است، اما پس از یازده سپتامبر، به نظر می‌رسد واقعیت و سیاست داخلی بیش از دیپلماسی و سیاست خارجی اهمیت پیدا کرده است: تصویر یک مرز تقویت‌شده مهم‌تر از کارایی و اثربخشی واقعی آن شده است. در عصر مدیریت ریسک، دیوار و کارکردهای مختلف آن (حفاظت، آرامش برقرار کردن، جداسازی و حتی تبعیض و افتراق) و مکانیسم‌های امنیتی همراه آن همگی در خدمت منطق ادراک قرار گرفته‌اند؛ دیوارها و حصارها نه تنها مهمترین عناصر کارکردی به شمار می‌روند، بلکه نمایان‌ترین مؤلفه‌های فرایندهای نظارت و مراقبت به‌هم‌پیوسته نیز هستند. بنابراین دیوار، در ابعادی که تاکنون فرض شده، موضوعی منحصر به فرد و تقریباً بی‌سابقه در روابط بین‌الملل است. در عین حال یک اثر

مصنوع است که قدمت آن به زمان باستان باز می‌گردد. دیوار در طول تاریخ خود طیف ناهمگونی از ساختارها را در بر می‌گیرد که با انگیزه‌های گوناگون در انواعی از مرزها ساخته شده‌اند (Wallet, 2014:2). کشورهایی که در کنترل جریان فرامرزی کالاها و افراد دچار مشکل هستند گاهی برای تأمین امنیت مرزها اقداماتی انجام می‌دهند که ممکن است دربرگیرنده استراتژی‌های تهاجمی مثل ساخت موانع فیزیکی، دیوار یا حصار باشد (Carter & Poast, 2015:2). وقتی دیواری احداث می‌شود، در هر مقیاس و هر سطحی که می‌خواهد باشد - سطح حکومتی، سطح فردی، سطح اجتماعی - حاوی نوعی پیام است. پیام جداسازی «ما» از «آنها»، «خود» از «دیگری»، «مطلوب» از «نامطلوب»، پیام ایجاد مرز و حصارکشی متعلقات و دارایی‌ها. کشورهای جهان به میزان بی‌سابقه‌ای در حال تقویت مرزهای بین‌المللی خود هستند. این دیوارها مصنوعات عصر جدید در روابط بین‌الملل و مفهوم تازه‌ای از ایده مرز هستند. این مقاله دیوار را پدیده‌ای جهانی می‌داند؛ پدیده‌ای که اساساً به دلیل احساس ناامنی حکومت در دنیای جهانی شده در حال گسترش و توسعه است. همراه با گفتمان دیوارکشی، الزامات جدید امنیتی در مرزهای جغرافیایی کشورها در حال پدیدار شدن است. این الزامات می‌تواند روابط کشورها با همسایگان و نوع برخورد با مهاجران و اتباع سایر کشورها را دچار دگرگونی فزاینده کند. پرسش پژوهش حاضر این است که آیا گفتمان دیوارکشی و حصارکشی مرز می‌تواند منجر به افزایش امنیت شود؟ و اینکه گفتمان دیوارکشی و حصارکشی چه چالش‌هایی برای حکومت، نهادها و مهاجران به همراه خواهد داشت. در این تحقیق تلاش می‌شود به ابعاد مختلف گفتمان دیوارکشی و حصارکشی پرداخته و پیامدهای سیاسی - جغرافیایی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

پیشینه حصارها و دیوارها در نظریات مطالعات مرزی

از ابتدای مطالعات مرزی و در طول ظهور ژئوپلیتیک کلاسیک، مرزها همواره به عنوان ابزاری برای واپایش سرزمینی در نظر گرفته شده‌اند؛ به همین دلیل است که قبل از جنگ جهانی دوم مسئله ترسیم مطلوب مرز (گاهی اوقات با فرض تصرف قلمروهای مجاور) در کانون توجه علمی قرار داشت. پس از جنگ جهانی دوم و فروپاشی امپراتوری‌های استعماری اروپایی، «نظریه مرزهای طبیعی» محبوبیت خود را از دست داد. این اتفاق درباره مطالعات مرزی نیز تا حدودی رخ داد؛ زیرا جریان اصلی نظریات روابط بین‌الملل

در دوره پس از جنگ (به‌ویژه واقع‌گرایی) برای مسائل مرزی اهمیت کمی قائل می‌شد. چون به این نتیجه رسیده بودند که این مسائل در برابر تسلیحات مدرن، جریان‌های اطلاعات، جنبش‌های فراملی و ... کمک چندانی نمی‌کنند. بازنمایی‌های ژئوپلیتیکی سنتی و «نظریه مرزهای طبیعی» به‌طور خاص، اکنون منسوخ به نظر می‌رسند، اما هنوز هم پتانسیل نقش‌آفرینی دارند. در کالبد «مرزهای طبیعی»، حصارها می‌توانند به‌عنوان تلاشی به‌منظور ایجاد جایگزین‌های مصنوعی برای موانع طبیعی مفهوم‌آفرینی شوند؛ آن هم در دوره‌ای که تصرفات مطلوب سرزمینی بسیار دشوارتر از قبل شده است (هرچند یک کشور قدرتمندتر، همان‌طور که در عمل هم می‌توان دید، می‌تواند به‌منظور ارتقای عملکردی خود حصار را بر روی یک قلمرو مورد اختلاف بنا کند). برخلاف فرض واقع‌گرایان درباره بی‌اهمیتی مرزهای مدرن به‌عنوان سپرهای حفاظتی، حصارها هنوز هم حائز اهمیت هستند. هیچ سلاحی وجود ندارد که به راحتی باعث بی‌اهمیتی حصار شود. حصارها حتی در برابر فشارهای سیاسی و اقدامات شبه‌نظامی بسیار نوآورانه نیز پایدار و مقاوم هستند. پیش‌بینی پیامدهای مواجهه بین یک کشور حصارکشی‌شده و متجاوزان تقریباً همیشه دشوار است (Golunov, 2016: 121). در نظریات معاصر (به‌طور خاص در ایده‌های پیچیده پست‌مدرنیسم، ساختارگرایی و مطالعات انتقادی) مرزها نه به‌عنوان واقعیتی فیزیکی بلکه به‌عنوان نوعی محصول ذهنی مفهوم‌آفرینی شده‌اند. در بسیاری از این نظریات، همان‌طور که پروزوروف خاطر نشان می‌کند، «خصومت گفتمان سیاسی معاصر نسبت به مرزها» وجود دارد و گرایش‌هایی که سعی در «سیاه‌نمایی» آن‌ها دارند، برجسته‌تر هستند (Prozorov, 2008: 26). به لحاظ منطقی در چنین نظریاتی حصارهای مرزی مسئله‌برانگیز هستند و در نتیجه برچسب واپس‌گرایی خورده و باید ساختارزدایی شوند. از نظر پست‌مدرنیسم رادیکال که به خاطر تشدید جریان‌های جهانی کالاها، اطلاعات و افراد، مرگ مرزهای ملی را اعلام می‌کند (Lash & Urry, 1994: 28)، حصارهای مرزی احتمالاً می‌تواند چیزی شبیه سخت‌پوستانی از نژاد دایناسورها باشد که به‌شدت اما بدون موفقیت در تلاش هستند تا خود را از انقراض نجات دهند. اظهاراتی از این نوع را می‌توان به راحتی با نمونه‌های متعددی تأیید کرد که نشان می‌دهد سامانه‌های حفاظت مرزی حصارمحور عملاً ناکارآمد و به نوعی آسیب‌پذیر هستند. به‌طور خاص اگر «به‌روز بودن» پست‌مدرنیسم در برابر «منسوخ‌شدگی» ژئوپلیتیک سنتی را نوعی نسبت

نهایی برای انتخاب یک نظریه مناسب مطالعات مرزی مد نظر قرار ندهیم، در آن صورت هم چندان راحت نیست که استدلال‌های متقاعدکننده‌ای پیدا کنیم که چرا رویکرد پست‌مدرن برای مفهوم‌آفرینی مرزهای تقویت‌شده نسبت به رویکرد ژئوپلیتیک سنتی ارجحیت دارد. بر اساس نسخه میانه‌روی مطالعات مرزی پست‌مدرن، مرزها در دنیای در حال جهانی شدن نبود نمی‌شوند؛ بلکه در عوض تغییرشکل پیدا می‌کنند، تکثیر می‌شوند و از لحاظ کارکردی پیچیده‌تر می‌شوند (Albert, 1998:62). برای درک بهتر پدیده حصارهای مرزی باید در نظر داشت که مرزهای تقویت‌شده یگانه خط دفاعی در برابر ورودهای غیرقانونی نیستند. آن‌ها لزوماً با مرزهای قانونی یک کشور مطابقت ندارند و در نهایت اینکه حصار تنها یکی از هزاران مرز فیزیکی و مجازی جداکننده یک گروه محصور از «دیگری» است. از منظر ساختارگرایی، یک مرز فیزیکی اگر جدا از معنای خود باشد دیگر بی‌معناست. از این منظر، مرزها «فضایی‌شدن‌های استعاره‌ای تفاوت» و «قواعد تمایزگذاری» هستند (Newman, 2010:774) که باعث «سامان‌یابی جامعه می‌شوند»؛ بنابراین، تغییر معنی می‌تواند اهمیت کارکردی یک حصار جداکننده را تغییرشکل دهد: برای مثال، دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ حتی قبل از آن زمان که تخریب شود، عملاً اهمیت گذشته خود را از دست داده بود. در قیاس با امنیتی‌شدن، می‌شود از مرزی‌شدن مسائل امنیتی نیز سخن گفت. این بدان معناست که بخش شایان‌توجهی از مخاطبان باید متقاعد شوند که به موضوعات امنیتی می‌بایست در مرز پرداخته شود و سازمان‌های متخصص باید مسئله حفاظت آن را بررسی کنند (Golunov, 2011:11-21). برای مثال موضوع مهاجرت غیرقانونی را می‌توان با وضع مقررات سخت‌تر بر بازار کار و نه لزوماً با ساخت حصار مدیریت کرد. همانند مورد پست‌مدرنیسم میانه‌رو، چالشی که محققان ساختارگرایی مطالعات مرزی باید در نظر داشته باشند، خطر بالقوه از بین رفتن جلوه «مادی» مسائل مربوط به حصارهای مرزی است. در حالی که باید توجه داشت از دیدگاه راهبردی (دیدگاه تصمیم‌گیرندگان یا نظریه‌پردازان ناظر بر مرزها) معنی حصار مرزی ممکن است در ابتدا با توجه به ماهیت فیزیکی آن باشد؛ اما برای افرادی که با این مرز سر و کار دارند، این مانع در درجه اول به جای اینکه مجموعه‌ای از هنجارها و ادراکات باشد، بیشتر نوعی واقعیت سخت و کاملاً ملموس است که طیف وسیع گزینه‌های موجود را محدود می‌کند. طبق دیدگاه‌های مطالعات انتقادی، حصارهای

مرزی برای محروم‌سازی بیگانگانِ مطنون و بر اساس زمینه‌های قومی، نژادی و اجتماعی کاربرد دارد. با توجه به این مسئله، چنین موانع مرزی‌ای ناعادلانه، غیرانسانی و ناقض اصول لیبرال دموکراسی قلمداد می‌شوند (Lomasky, 2001). این ادعا وجود دارد که مرز و موانع روادیدی برای جدا کردن ثروتمندان از مهاجران محروم و کارگر طراحی شده است که معمولاً به اقلیت‌های قومی و نژادی تعلق دارند. تا آنجا که برخی محققان به این دسته از کشورها که واپایش زیادی بر روی این مسائل اعمال می‌کنند، عنوان آپارتاید جهانی داده‌اند (Van Houtun, 2010:958)، این در حالی است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ایالات متحده نیز جزء «جوامع گیت‌بندی‌شده»^۱ به نظر می‌رسند (Van Houtun & Pijpers, 2007:292). از این منظر، تعداد زیادی از حصارهای مرزی را می‌توان به‌عنوان نمونه‌های برجسته محروم‌سازی قومی و نژادی «غریبه‌های» فقیر از «جوامع گیت‌بندی‌شده» فوق‌الذکر دسته‌بندی کرد. متأسفانه جایگزین‌هایی که مطالعات مرزی انتقادی برای نظم ناعادلانه موجود پیشنهاد کرده‌اند، عموماً غیرواقع‌گرایانه و در نتیجه غیرمتقاعدکننده هستند. ایده‌های لغو محدودیت‌های ورود مهاجران کار (Steiner, 2001:80) یا ایده ایجاد واپایش دموکراتیک سیاست‌های مرزی، با مشارکت این دسته از مهاجران (Balibar, 2004:117) که گاهی اوقات مطرح می‌شود، معمولاً با هیچ تحلیل جدی‌ای درباره اثرات احتمالی آن همراه نیست. همچنین لزوم گفتگو با حامیان متعدد و بانفوذ سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه نیز در نظر گرفته نشده است (Golunov, 2012:26). حامیان چنین اقداماتی معمولاً ساخت حصار مرزی را راه‌حلی مطلوب برای برقراری توازن کامل بین امنیت ملی و احترام به حقوق بشر قلمداد نمی‌کنند؛ اما این بهترین گزینه از میان گزینه‌های بد محسوب می‌شود. افزون بر این، معضل ساخت یا حفظ یک حصار، در بسیاری از موارد می‌تواند نوعی «مسئله بغرنج» محسوب شود و «شما مسئله را نمی‌توانید درک کنید مگر اینکه بتوانید راه‌حلی برای آن بجویید» و آن راه‌حل را امتحان کنید؛ اما هر راه‌حلی که پیشنهاد می‌شود «نه درست است و نه اشتباه» و «جنبه‌های جدیدی از مسئله را افشا می‌کند که نیازمند اصلاحات بیشتر در راه‌حل‌های بالقوه است» (Conklin, 2006:14). همان‌طور که از نقد

بالا می‌توان ملاحظه کرد، از دیدگاه ژئوپلیتیکی سنتی حصارهای مرزی ممکن است به عنوان یکی از واکنش‌های احتمالی دولت‌های ملی به چالش‌های غیرسنتی در عصر جهانی‌شدن قلمداد شوند. در حالی که چنین تبیینی شاید برای توضیح افزایش محبوبیت این روش حفاظت از مرز مفید باشد؛ اما حاوی هیچ‌گونه پیشنهاد شفافی دربارهٔ این نیست که چطور می‌توان بین نفوذهای متعدد و حالت محصورشده تعادل برقرار کرد؟ یا چطور وضعیتی را حل و فصل کنیم که ممکن است به منافع افرادی که در هر دو طرف یک حصار زندگی می‌کنند، آسیب بزند؟ نظریه‌های پسااثبات‌گرایی نیز به نوبهٔ خود به چنین ابعاد مهمی از حصارهای جداکننده و آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر تشدید جریان‌های فرامرزی، اهمیت خاص معانی و هنجارها در فرایند حصارکشی و نقش چنین حصارهایی در زمینهٔ سلطه، استیلا و محروم‌سازی «دیگری» توجه کرده‌اند. در عین حال، رویکردهای پسااثبات‌گرایی به ندرت توانسته‌اند جایگزین‌های واقع‌گرایانه و منسجم برای حصارهای مرزی پیشنهاد کنند و هیچ توجه خاصی به دغدغه‌های تعداد زیادی از افرادی که احساس ناامنی می‌کنند، ندارند. در نتیجه حامی سیاست‌های مهاجرتی و مرزی سخت‌گیرانه هستند.

مبانی نظری

امنیتی‌شدن گفتمان مرزی: هموار شدن مسیر دیوارسازی و حصارکشی در دنیای جهانی‌شده که در آن وابستگی متقابل ضرورت و هنجار تلقی می‌شود، به نظر می‌رسد دیوارهای مرزی چیزی از گذشته‌ها و تجلی‌های کهنه و منسوخ نهاد دولت باشند. اما همان‌طور که ذکر شد دیوارها از پایان جنگ سرد به بعد به طور پیوسته در حال گسترش بوده‌اند. رونق دیوارسازی در دورهٔ پس از حمله به مرکز تجارت جهانی ریشه دارد. پیش از یازده سپتامبر نگرش مثبت دربارهٔ دیوارها ناشی از ترس از تروریسم نبود؛ بلکه در ناامنی جهانی‌ای ریشه داشت که از سوی جهانی‌شدن القا می‌شد. از قضا در دنیای هوشمند و امنیتی، جهانی‌شدن منجر به حذف مرزها نشده بلکه به تجدیدساخت قلمرو و خلق «استحکامات» جدید منجر شده است. در تلاش برای امنیت دولت، دولتی که مرزهای آن عملاً هیچ‌گاه نابود نشده است، دیوار تبدیل به یک راه‌حل شده است. این راه‌حل از طریق گفتمان به طور فزاینده امنیت‌محور برآمده از عصر پسایازده سپتامبر به تعالی رسیده است. هنگامی که یک دیوار مرزی ساخته می‌شود، به نقطه‌مقابل مرز و

خط علامت‌گذاری مبتنی بر توافق بین‌المللی تبدیل می‌شود. دیوار مهر تأییدی بر پایان دیالوگ و نشان‌دهنده رابطه اساساً ناکارآمد بین دو کشور است. دیوار نشانه ناتوانی در رسیدن به راه‌حل‌های مذاکره‌شده درباره مسائل امنیتی است که دولت با آنها روبه‌روست یا درباره مسائل است که تصور می‌کند با آن روبه‌رو می‌شود. دیوار آخرین جایگزین مناقشه آشکار بین دو کشور و واکنش به تفاوت شدید برداشت‌ها درباره امنیت فردی و جمعی آنهاست. به این معنا، دیوار نماد جو حاکمیت دولت و سنگ‌بنای راهبرد بازدارندگی دولت است؛ بنابراین از دیدگاه واقع‌گرایانه، دیوار مصالحه‌ای ستودنی است که هدف آن پرهیز از مناقشه آشکار بین دو کشور است. برای مثال، شاید بتوان گفت به جای به جان خریدن خطر رویارویی هسته‌ای، هند تصمیم گرفته است با ساخت حصار در امتداد مرز خود با پاکستان در پنجاب، راجستان، گجرات و در نهایت کشمیر، از طریق مسدود کردن مرز، امنیت خود را افزایش داده و تهاجمات را محدود کند. درگیری‌های گاه و بی‌گاه رخ می‌دهد و همیشه هم جزئی نیستند اما در گفتمان رسمی به کشمکش‌های جزئی تقلیل پیدا کرده‌اند و خطر افزایش نبرد اتمی بین این دو قدرت هسته‌ای کاهش پیدا کرده است. جایی که هزینه‌های جنگ بسیار فاحش به نظر بیاید، ممکن است برای یک دولت منطقی به نظر برسد که دیوار مرزی را به‌عنوان راهی برای کاهش تهدید مد نظر قرار دهد؛ در عین حال، دیوار همچنین ممکن است برای دولت آن طرف دیوار هم مناسب باشد و آن را به‌عنوان راهی برای تقویت واپایش بر قلمرو خود قلمداد کند. ایجاد منطقه حائل بین دو بخش از قبرس نشان‌دهنده تمایل جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از جنگ بین یونان و ترکیه است. به‌منظور متوقف کردن مناقشه در وضعیت فعلی که هیچ راه‌حلی به غیر از حفظ وضع موجود وجود ندارد و در نهایت شاید ایجاد یک مرز قانونی با خط علامت‌گذاری ثابت، خط سبز تقویت شده است. وضعیت مشابهی نیز در شبه‌جزیره کره وجود دارد؛ جایی که استحكامات گسترده مرزی، حصار فیزیکی نفوذناپذیری را ایجاد کرده که مهر تأییدی بر تقسیم این شبه‌جزیره است؛ کره جنوبی دیوار دیگری هم در سمت منطقه غیرنظامی شده خود در نظر گرفته است (Wallet&David, 2016:144). ممکن است این بحث مطرح شود که ایجاد حصار بین هند و چین نیز تا حدودی در تمایل به حفظ حالت دوفاکتوی امور و کاهش خطر رویارویی مستقیم در امتداد آن بخش از مرزهای مورد مناقشه آنها ریشه دارد

(Thaindian News, 2010). از این منظر، برای دولتی که به رسیدگی به چالش‌های جدید امنیتی و دفاع از منافع خود نیاز دارد، دیوار وسیله‌ای جایگزین به شمار می‌رود. دیوار می‌تواند نشان‌دهنده راه‌حل برای اختلاف‌نظر درباره یک مسئله امنیتی نیز باشد؛ یعنی زمانی که کشور همسایه دغدغه کمی برای مشکلی نشان می‌دهد که برای کشور دیگر، کشور دیوارساز، حیاتی است. با وجود این، از میان تمام دیوارهایی که تا به امروز سر پا هستند، تنها شش دیوار باعث تبدیل مرز به یک صلح‌شکننده شده است. تمام موارد دیگر برای مبارزه با مهاجرت، قاچاق و تروریسم ساخته شده‌اند. در نتیجه، موانع مرزی نشانه واکنش دولت به بی‌ثباتی ناشی از نظام بین‌الملل و ترس از دیگر بازیگران این نظام یا تهدیدهای نامتقارن است (Buzan & Herring, 1998: 83). بنابراین جستجوی امنیت باعث ایجاد تغییر در گفتمان‌های مرزی درباره امنیت شده است؛ تغییری که پس از یازده سپتامبر شتاب گرفت.

تغییر گفتمانی

شکل‌گیری مسائل امنیت مرزی بستگی به این دارد که کدام طرف مرز فعال باشد. کشورهای گذری و کشورهای مقصد به مسائل مرزی نگاه کاملاً متفاوتی دارند. کشورهای گذری (و کشورهای مبدأ) شاهد این هستند که مهاجران کشور ثالث وارد قلمرو آنها می‌شوند و تلاش می‌کنند از آن عبور کنند و همچنین شاهد مهاجرانی هستند که از کشور مقصد اخراج و دوباره راهی کشور گذری شده‌اند. برای کشور مقصد، حرکت مهاجران از طریق کشور گذری نشان‌دهنده تهدید است و برای متوقف کردن آن تلاش می‌شود. اختلاف‌نظر بین مراکش و اسپانیا، ترکیه و یونان، مکزیک و ایالات متحده از این قبیل است. در هر سه نمونه، کشورهای مقصد قادر به واپایش نقاط ورود به قلمرو خود نیستند و نمی‌توانند مدیریت مرزهای خود را برون‌سپاری کنند و نسبت به همسایگان خود درک متفاوتی از جریان ناخواسته مهاجران دارند. به همین سبب است که دیوار به شکل تقسیم بین دو جهان متبلور می‌شود: «حوزه امنیت» در برابر «حوزه خطر». از منظر ساختارگرایانه، دیوار مرزی را می‌توان از لحاظ «امنیتی‌شدن» مد نظر قرار داد (Buzan & Waever & Wilde, 1998: 21). در این باره، دیوار پاسخی است به یک مشکل کلاسیک (فشارهای مهاجرتی) که موضوعی امنیتی تلقی می‌شود (تهدید مهاجرتی). این تهدید موضعی (خشونت مرزی) به سطح ملی می‌رسد. پس از یازده

سپتامبر تهدید توأم حرکت‌های مهاجرتی فرامرزی و حرکات تروریستی باعث مشروعیت‌بخشی گفتمان‌های دیوارسازی از جمله گفتمان دولت‌های دموکراتیک شد که این نمونه نسبتاً جدید است. نمونه درخور توجه این مورد رفتار اسرائیل در ۲۴۰ کیلومتر مرز خود با مصر و مرزهای اسرائیل با اردن و لبنان از سال ۲۰۱۲ و البته کرانه باختری است (Wallet&David,2016:145). هند پس از ساخت دیوار در مرز خود با پاکستان، در حال تکمیل دیوار دیگری گرداگرد بنگلادش، برای متوقف کردن قاچاق، مهاجرت و تروریسم بالقوه است و در حال ساخت دیوار سومی نیز در مرز خود با چین است. اسپانیا نیز در فهرست دموکراسی‌های دیوارکشی‌شده قرار دارد: مراکش که آهسته‌آهسته از سال ۱۹۸۱ در حال ساخت نوعی دیوار شنی (خاکریز) در صحرای غربی برای جدا کردن جبهه پولیساریو بوده، اکنون با دو حصار در اطراف درون‌بوم‌های اسپانیایی ملیلا و سئوتا مواجه است. این حصارها در اصل در سال ۱۹۹۸ برای جلوگیری از سیل مهاجران ساخته شد و بعدها در سال ۲۰۰۵ تبدیل به یک حصار سه‌گانه شد (Ferrer-Callardo,2008:303). در همین حال ایالات متحده در حال ساخت حصار جداکننده از مکزیک است که در حال حاضر ۹۳۰ کیلومتر طول دارد. هرچند دولت اوپاما در سال ۲۰۱۰ تصمیم گرفت پروژه بسیار پرهزینه «حصار واقعی» را متوقف کند. در سال ۲۰۱۳ یونان نیز موفق شد دیواری امنیتی در امتداد کل مرزهای خود با ترکیه ایجاد کند که به‌منظور متوقف کردن مهاجران غیرقانونی برپا شد (Hürriyet Daily News,2011)؛ بنابراین در حالی که حقیقت دارد که یازده سپتامبر باعث بازگشت دیوار به‌عنوان پروژه‌ای فیزیکی و ابزاری سیاسی شد، آن حادثه نه‌تنها منجر به افزایش دیوارسازی گردید، بلکه در عین حال نقص کیفی گفتمان‌های مربوط به دیوارها را نیز در پی داشت. اکنون مهاجرت غیرقانونی توجیهی برای دیوارهای مرزی برشمرده می‌شود (همان‌طور که درباره دیوارهای اطراف سئوتا و ملیلا، در امتداد مرز ایالات متحده - مکزیک، ترکمنستان و ازبکستان، ازبکستان و افغانستان، چین و کره شمالی، امارات متحده عربی و عمان، برونی و مالزی، هند و بنگلادش صادق است). درباره قاچاق و تروریسم نیز همین توجیه وجود دارد (همان‌طور که درباره اسرائیل، دیوارهای بین برونی و مالزی، تایلند و مالزی، عربستان سعودی و یمن، عراق و همسایگان خود صدق پیدا می‌کند). گاهی اوقات استدلال‌ها شفافیت کمتری دارند؛ برای مثال مبارزه علیه تروریسم

و مبارزه با قاچاق (قاچاق کالا، تجارت مواد مخدر و قاچاق انسان) در دوره‌های مختلف برای توجیه حصارهای مشابه استفاده شده است، مثل دیوار بین مکزیک و ایالات متحده (Ganster&Lorey,2008:175).

گفتمان‌های تبادل‌پذیر با ارائه تعریفی گسترده‌تر و تغییرپذیرتر از امنیت در خدمت مشروعیت‌بخشیدن به دیوارها عمل کرده‌اند. دیوار صرفاً یک تکه بنا نیست؛ دیوار نوعی «فرایند تمایزگذاری» است که به اعتقاد دیوید نیومن تمام عناصر گفتمانی متضاد هویت دولت دیوارساز (خود/ ما/ اینجا) با هویت همسایه خود (دیگری/ آنها/ آنجا) را در هم می‌آمیزد (Newman,2006:177). بدین ترتیب دیوار حاکی از قصد عمدی دولت دیوارساز «محصور» برای تحمیل دیدگاه خود درباره قلمروسازی است (O'Tuathail,1996:225)، در حالی که با نادیده گرفتن کشور دیگر، آن را شریک این تهدید می‌داند. دولت نه تنها با ساخت دیوار به مهر و موم کردن قلمرو خود مبادرت می‌کند، بلکه در اطراف و مجاورت این ساختار فیزیکی مجموعه‌ای از موانع غیرفیزیکی نیز ایجاد می‌کند که تأثیر ماندگاری بر هویت‌های موجود در هر دو طرف این مرز بسته شده دارد. مرز تقویت‌شده واکنشی است به احساس تهدیدی که دولت دیوارساز به طور یک‌جانبه احساس می‌کند، دولتی که با راه‌حلی فنی و ظاهراً علمی به دنبال تضمین و بیمه کردن خود است. گفتمان موجود در مورد دیوارها حاکی از اولویت سیاست داخلی بر سیاست خارجی (و ضرورت‌های دیپلماتیک) است (David&Akers, 2006:206). این موضوع نشان‌دهنده همگرایی غیرنظامی- نظامی است که به موجب آن مجموعه‌های نظامی- صنعتی از پایان جنگ سرد به بعد به شکل صنعت امنیتی درآمده‌اند. تلاقی حوزه‌های نظامی و امنیتی در منطقه مرزی یعنی جایی که آن‌ها به موجب منطق مرز تقویت‌شده به هم می‌پیوندند کاملاً روشن است.

روش تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت اساساً نظری می‌باشد، لذا در انجام آن از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. برای این کار سعی شده منابع معتبر مربوطه شناسایی و مورد استفاده قرار بگیرند. این منابع متشکل از کتاب‌ها و مقالات نویسندگان معتبر حوزه مطالعات مرزی می‌باشند. در نهایت اطلاعات گردآوری شده مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

بحث و یافته‌ها

استفاده از فناوری در امنیت مرزی: تقویت دیوارها و حصارهای مرزی

مجموعه‌های نظامی - صنعتی ذی‌نفع اصلی تحول محیط امنیتی پس از جنگ سرد بوده‌اند. ارائه‌دهندگان فناوری اطلاعات و تولیدکنندگان سامانه‌های نظارتی، برای دفاع از مرزها از فناوری‌های دو منظوره استفاده می‌کنند؛ به همین سبب باعث ترویج چیزی می‌شوند که دال لاگو از آن به نام «نظامی‌شدن مرزها» یاد می‌کند (Dal Lago, 2005). بازار مرزی از ساخت زیرساخت‌ها، سامانه‌های تسلیحاتی، اطلاعاتی و زمین‌پایه، اجزای دریایی و هوایی مانند رادار و هواپیماهای بدون سرنشین استقبال می‌کند، این مجموعه کالاها و خدمات هنوز به حوزه نظامی تعلق دارند. با وجود این، به سبب ارتباط نزدیک بین شرکت‌های تشکیل‌دهنده این فرایند از اصطلاح «مجموعه امنیتی - صنعتی» استفاده می‌شود. مفهوم مجموعه صنعتی که حال راجرز^۱ از آن استفاده کرده است شامل موارد زیر نیز می‌شود: شرکت‌های خصوصی درگیر ساخت، نگهداری و عرضه مراکز بازداشت، شرکت‌هایی که تغذیه، لباس و ... مرزبانان را تأمین می‌کنند، شرکت‌هایی که وسایل حمل و نقل هوایی و زمینی مهاجران را جهت اخراج تأمین می‌کنند و کسب و کارهای محلی. مناطق مرزی لزوماً شکوفاترین مناطق نیستند؛ به همین سبب صنایع مرزی می‌تواند شاهرگ اقتصادی این مناطق باشد. در حالی که بازار امور نظامی مرزی بسیار سودآور است - برای مثال در سال ۲۰۱۱ گردش مالی آن در سراسر جهان برابر با ۱۷ میلیارد دلار بوده است (Visiorgain, 2011) - اما پایان جنگ سرد و انتظار سود موجود در دوران صلح منجر به کاهش هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی شد و بعضی‌ها از «پایان تاریخ» صحبت کردند؛ بنابراین صنایع دفاعی می‌بایست در اهداف و بازارهای خود بازنگری می‌کردند؛ فرایندی که با خصوصی‌شدن بازارهای دفاعی انحصاری پیشین راحت‌تر شده بود. این روند تا قبل از یازده سپتامبر خوب پیش می‌رفت اما بعد از حملات یازده سپتامبر روند معکوس به خود گرفت و به دولت‌های دیوارساز کمک کرد تا به روند تقویت مرزها مشروعیت ببخشند و صنایع نظامی را به هدف خود تبدیل کنند (Wallet&David, 2016: 148). با این حال دیوارها عملاً نتوانسته‌اند مانع از جریان افراد

1. Hal Rogers

یا کالاها شوند؛ دیوارها موجب پرورش منطق عصیان‌گرانه‌ای شده‌اند که باعث از بین رفتن اهداف اعلام‌شده آن‌ها می‌شود (McCarthy, 2009: 328; Sterling, 2009: 12). بنابراین لازم است برای توقف عبور از دیوار، مجموعه‌ای از سامانه‌های طراحی شده مورد بازنگری قرار بگیرند. به سبب اینکه ثابت شد دستگاه‌های نصب‌شده در اطراف دیوار برلین (موانع پیشگیرانه، پوشش شن و ماسه، ایست‌بازرسی‌ها، برج‌ها) ناکافی بوده است، دولت‌ها در پی راه‌حل‌های پیشرفته‌تر هستند؛ بنابراین دیوار باید به صورت کامل محقق شود؛ به صورت مکانیسمی سیاسی که شامل موانعی با همه انواع، هواپیماها، مراکز بازداشت عمومی و خصوصی، مرزبانان، سامانه‌های مخابراتی و اطلاعاتی شود. برای مثال، صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) و یکی از پیمانکاران آن با پیاده کردن سامانه¹ POP جهت دفاع مرزی، فناوری‌های نظامی را به دیوار اضافه کرده‌اند. POP از دوربین‌های حرارتی دارای حساسیت بالا استفاده می‌کند که می‌تواند از کیلومترها دورتر بر روی یک شیء تمرکز کند. سامانه‌های الیبت² و پیمانکاران آن در حال گسترش سامانه حسگرهای الکترونیک و دوربین‌های نظارتی به نام LORROS، وسایل نقلیه زمینی واپایش از راه دور جهت استقرار در جاده‌های گشت‌زنی در امتداد دیوار اسرائیل و سامانه نظارت از راه دور TORC2H هستند (BDS, 2011). ۴۵۰ شرکت اسرائیلی در این صنعت به بازارهای صادراتی حمله‌ور شده‌اند و ۲۲ درصد از افزایش صادرات فناوری اسرائیل را از سال ۲۰۰۲ به بعد به خود اختصاص می‌دهند. برای مثال، شرکت تابعه کولزمن³ الیبت، بخشی از یک کنسرسیوم به رهبری شرکت بوئینگ است که در مرز مکزیک فعالیت دارد و اسرائیلی‌ها در بخش امنیت مرزی هند به‌ویژه در زمینه هواپیماهای بدون سرنشین و رادار نیز فعالیت دارند (Jansen, 2002). از میانه دهه ۲۰۰۰ قراردادهای عمده‌ای بسته شده است؛ از جمله برنامه توسعه پاسگاه سعودی⁴ که انتظار می‌رود برای عربستان سعودی حدود ۹ میلیارد دلار هزینه داشته باشد. به‌عنوان بخشی از این پروژه، موارد زیر عرضه خواهد شد: حدود ۵۰۰۰ کیلومتر سامانه شناسایی الکترونیک شامل ۲۲۵ ایستگاه رادار متصل به ستاد فرماندهی، ۴۰۰ پست مرزی، آموزش

-
1. Plug-in Optron Payload (POP)
 2. Elbit Systems
 3. Kollsman
 4. Saudi Guard Development Program

۲۰ هزار مرزبان، تأمین ۲۰ هواپیما، بالگرد و هواپیمای بدون سرنشین و نصب سامانه‌های مخابراتی آکروپل^۱ که در پلیس فرانسه کاربرد دارد (Cordesman&Obaid,2005:298). در حال حاضر یک حصار با ارتفاع ۲/۵ متر در امتداد مرز عراق و عربستان وجود دارد. این حصار شامل سه بخش می‌شود: بخش اول شامل سیم خاردار، بخش دوم حسگرها و بخش سوم هم این حصار را به ستاد فرماندهی متصل می‌کند (Al-Saheil,2010). به همین ترتیب برنامه امنیت مرزی اردن نیز به مجموعه‌ای از حسگرها و حصارها برای محافظت از اردن، به‌ویژه در امتداد مرز این کشور با سوریه مجهز شده است. در سال ۲۰۱۱ این برنامه همراه با فناوری‌های DRS با قراردادی به ارزش حدوداً ۴۰۰ میلیون دلار تکمیل شد. اما فناوری به هیچ‌وجه نوش‌دارو نیست. در ایالات متحده، طرح مرز امن به شکست مفتضحانه‌ای تبدیل شد. این برنامه به دنبال ایجاد مانع مجازی پیشرفته در امتداد کل طول مرز ایالات متحده با مکزیک بود. اما قبل از آنکه وزارت امنیت داخلی تصمیم به لغو این پروژه بگیرد، حدود ۱ میلیارد دلار فقط صرف ۸۵ کیلومتر شد (Robbins,2012). یکی از دلایل کُند بودن این بود که سیم‌کشی برج‌های مراقبت الکترونیکی با وجود حرارت از بین می‌رفت. مسئله‌ای که سامانه یکپارچه نظارت هوشمند نیز در سال ۱۹۹۷ با آن روبه‌رو شده بود؛ بنابراین برنامه فناوری نظارت مرزی آریزونا که از هواپیماهای بدون سرنشین و رادارهای سیار استفاده می‌کند، جایگزین دیوار مجازی شد. برآورد می‌شود هزینه این برنامه ۱/۵ میلیارد دلار باشد، اما به سبب فقدان واپایش‌های مؤثر می‌تواند از این هم بیشتر باشد (GAO,2011). در مجموع باید گفت پاسخ معمول این صنعت به دولت‌هایی که در پی افزایش امنیت هستند، درخواست فناوری بیشتر بوده است. ضمن اینکه استفاده از فناوری‌های پیشرفته در مدیریت مرزها باعث ایجاد مسئله ضخیم‌شدن مرزها شده است. ضخیم‌تر شدن مرزها فرایندی است که طی آن تمهیدات مرزی اعمال‌شده برای پایش جریان‌های مرزی موجب گسترش منطقه مرزی می‌شود. برای مثال می‌توان گفت تمهیدات مرزی بیش از حد همچنین موجب ضخیم‌شدن مرزهای کانادا و ایالات متحده شده است (Smith et al,2018:1).

آیا وجود دیوارها و حصارهای مرزی ضروری است؟

حصارکشی و دیگر روش‌های مشابه از مدت‌ها قبل برای محافظت از قلمرو کاربرد داشته‌اند. در میان حصارهای مرزی معاصر، مرزهای ایالات متحده - مکزیک و اسرائیل - فلسطین (هم نوار غزه - اسرائیل و هم اسرائیل - کرانه باختری) از سوی رسانه‌های جهانی توجه ویژه‌ای به خود جلب کرده‌اند. گذشته از این همان‌طور که اشاره شد حصارهایی نیز در مرزهای هند با پاکستان، بنگلادش و میانمار؛ اسپانیا در محدوده بیرونی درون بوم‌های سنوئا و ملیلی خود در مرز با مراکش؛ بوتسوانا با زیمبابوه؛ عربستان سعودی با یمن؛ مالزی با تایلند؛ کویت با عراق وجود دارند. این فهرست کامل نیست و موارد بسیار زیاد دیگری هم وجود دارد که می‌شود به این فهرست اضافه کرد. حصار مرزی فیزیکی تنها بخشی از یک سامانه حفاظتی همراه با دیگر اشیاء و حسگرهای مهندسی است؛ این نوع شیوه‌های خاص حفاظت مرزی برای مقابله، توقیف یا حتی نابود کردن دشمن طراحی شده‌اند. سوای عبور از مرز به صورت قانونی (یا آوردن اقلام ممنوعه) یا غیرقانونی (مخفی‌شدن در جاهایی مثل وسایل نقلیه) از طریق پست‌های بازرسی، فریب‌دادن پاسگاه‌های مرزی یا افسران گمرکی، در حقیقت خود حصار را هم می‌توان با بالا رفتن از آن، خراب کردن یا تونل زدن به راحتی پشت سر گذاشت. عبارت مشهوری از فرماندار سابق آریزونا جانن ناپولیتانو وجود دارد که می‌گوید: «به من یک دیوار ۱۵ متری نشان دهید و من به شما یک نردبان ۱۶ متری نشان خواهم داد» (Wallet, 2014:56). بدین ترتیب حصارهای مرزی کم و بیش کارآمد با خندق‌ها، سیم‌خاردار، دوربین‌های نظارتی، حسگرها، وسایل نقلیه گشت‌زنی، هواپیما، گاهی اوقات حتی میدان‌های مین و یا واپایش سفت و سخت در ایست‌های بازرسی تکمیل می‌شوند. همان‌طور که انتظار می‌رود حفاظت در برابر مهاجرت غیرقانونی یا نفوذ تروریست‌ها و گروه‌های نظامی معمول‌ترین کارکرد موانع مرزی است. این کارکردها می‌تواند با سایر اهداف و کارکردها نیز ترکیب شود. افزون بر این، اولویت‌های اصلی حصارکشی احتمال دارد در طول زمان تغییر کند: برای مثال قبل از دهه اول ۲۰۰۰، مانع مرزی هند - بنگلادش عمدتاً ضد مهاجرتی بود، بعدها به یک مانع ضد تروریستی تغییر کاربری داد. حصار مرزی ضد مهاجرتی بخش زیادی از مرز ایالات متحده - کانادا را از هم جدا می‌کند؛ هرچند موانع مرزی موجود در سنوئا و ملیلا که اسپانیا را از مراکش جدا

می‌کند، حصارهای بین عربستان سعودی و یمن و برخی از دیگر حصارها نیز همین هدف را دنبال می‌کنند. در هر یک از این موارد به نظر نمی‌رسد هیچ یک از دولت‌های مربوطه آنقدر ساده لوح باشند که تصور کنند این حصارها می‌تواند اکسیری در برابر مهاجرت غیرقانونی باشد؛ بلکه هدف آن‌ها استفاده از حصار به عنوان یکی از ابزارهای متعدد (همراه با قوانین سخت گیرانه و واپایش داخلی) برای کاهش مهاجرت است. این نوع حصار برای نابود کردن طراحی نشده است؛ بلکه برای ممانعت و تأخیر در کار متجاوزین طراحی شده است؛ به همین دلیل است که در این نوع حصارها، مکمل‌های کاملاً غیرانسانی مانند میدان‌های مین، برق ولتاژ بالا یا لوازم برش اعضا، معمولاً استفاده نمی‌شود. با وجود این، برای متخلفانی که قصد عبور از این نوع سامانه‌های مرزی را دارند این کار هنوز هم اقدامی بسیار خطرناک محسوب می‌شود و ممکن است به جراحت، اسارت از سوی گروه‌های جنایت‌کار، گلوله خوردن یا سوءاستفاده توسط پاسگاه‌های مرزی یا نظامی یا مرگ در نواحی دور از دسترس منجر گردد. حتی در سطح دولت‌ها نیز در مورد کارایی حصارهای مرزی به عنوان راه‌حل کاهش مهاجرت غیرقانونی اختلاف نظر زیادی وجود دارد. در اینجا برخی مزایا و معایب این روش حفاظت مرزی ذکر می‌شود. از یک سو، باعث اضطراب عمومی درباره مقیاس مهاجرت غیرقانونی می‌شود؛ دولت اغلب باید به اقدامات سریع و رؤیت‌پذیر مبادرت کند که نشان‌دهنده توانایش در مقابله با این مسئله باشد تا حمایت انتخاباتی را از دست ندهد. ایجاد حصار یکی از چشمگیرترین اقدامات ممکن است که آشکارا نشان می‌دهد کاری انجام شده است. برای سیاست‌مداران نمایش تلاش‌های شدید می‌تواند مهم‌تر از کارایی خود این مانع مرزی باشد. همان‌طور که باگواتی^۱ درباره تصمیم دولت گاندی برای ساخت حصار در مرز هند - بنگلادش در دهه ۱۹۸۰ خاطرنشان می‌کند «ساخت این حصار بهترین راه برای نشان داده این است که کاری انجام شده، در حالی که عملاً هیچ کار خاصی صورت نگرفته است» (Wallet&David,2016:145). ساخت حصار اغلب امکان حصول به نتایج آماری چشمگیر را میسر می‌کند. برای مثال در سال مالی ۲۰۱۰ تعداد دستگیری‌ها در مرز ایالات متحده - مکزیک (۴۴۷.۷۰۰ مورد) در مقایسه با

سال مالی ۲۰۰۰ چهار برابر کمتر بود. اما باید به یاد داشت که آمار دستگیری معمولاً تعداد واقعی ورودهای غیرقانونی دستگیرشده را نشان نمی‌دهد؛ بلکه تعداد اقدامات شناسایی شده را نشان می‌دهد. به غیر از این همچنین باید در نظر داشت که کاهش تعداد دستگیری‌ها را نمی‌توان چندان به ساخت حصار مرزی ربط داد؛ بلکه عوامل دیگری مانند بهبود وضعیت اقتصادی در کشور مهاجرپرست (یا برعکس، وخیم شدن وضعیت اقتصادی و افت تقاضا برای نیروی کار در کشور دریافت‌کننده)، تغییر راهکارهای واردشوندگان، سخت‌تر شدن مجازات‌های مجرمین و ... نیز در این میان نقش دارند. با توجه به همه این موارد، جای تعجب نیست که شاخص‌های آماری را بتوان به راحتی دست‌کاری کرد: به‌طور خاص، هم در صورتی که تعداد دستگیری‌ها رو به افزایش باشد و هم برعکس اگر رو به کاهش باشد می‌توان ادعای موفقیت (و نیز لزوم منابع بیشتر برای حفاظت مرزی) کرد؛ (Andreas, 2000: 218). در واقع در اینجا مدیریت موفق مرز به آمار و اطلاعاتی که مرزبانان ارائه می‌دهد بستگی خواهد داشت و این آمار و اطلاعات ممکن است لزوماً با سطح بازدارندگی واقعی حصارها و دیوارهای مرزی مطابقت نداشته باشد. یکی دیگر از اثرات ساخت حصار، ایجاد بازدارندگی و جلوگیری از نفوذهای احتمالی است. بعضی از این حصارها ممکن است ترسناک باشند؛ به اندازه‌ای که مهاجران قید ورود به کشور مورد نظر را بزنند. برای مثال ممکن است بخشی از مهاجران افغان که از ایران و ترکیه برای رسیدن به مقصد اروپا تلاش می‌کنند با رسیدن به دیوار مرزی ترکیه با دشواری روبرو شده و راه بازگشت در پیش بگیرند. از سوی دیگر، حصارها معایب جدی زیادی دارند. نفوذکنندگان و ناقضان، گزینه‌های متعددی برای غلبه بر این موانع دارند: برخی از آنها از حصارها بالا می‌روند یا حتی بدون کمک نردبان با سایر تجهیزات از حفر تونل در زیر مانع استفاده می‌کنند، یا از طریق مخفی شدن در وسایل نقلیه و یا با استفاده از مدارک جعلی یا رشوه دادن به مرزبانان و دیگر مقامات از ایست‌بازرسی‌ها عبور می‌کنند. در عین حال، موانع چندلایه‌ای (که باید باعث تأخیر در کار نفوذکنندگان شود و همزمان آنها را نگه‌داند و آسیب نرساند) همراه با دوربین‌ها و حسگرهای نظارتی و نیز گشت هوایی و زمینی، معمولاً هزینه‌های هنگفتی در پی دارند. این می‌تواند یک بار اضافی در زمینه بودجه باشد، به‌ویژه اگر کشورها درصدد حفاظت از قلمرو گسترده‌ای باشند. جای تعجب نیست که حتی دولت ایالات متحده نیز در سال

۲۰۱۰ تصمیم گرفت برنامه چندمیلیارد دلاری SBInet که برای تجهیز مرز حصارکشی - شده این کشور با آخرین فناوری‌ها منظور شده بود، را متوقف کند. در نهایت همان‌طور که تجربه ایالات متحده نشان می‌دهد، محصور کردن مرز می‌تواند نتایجی را در پی داشته باشد که قدری با نتایج مطلوب ما متفاوت باشد: مثلاً می‌تواند باعث افزایش تعداد ساکنان غیرقانونی بلندمدت شود و به طور غیرمستقیم باعث رونق گروه‌های جنایتکار فرامرزی شود. طبق گزارش مرکز آمار هیسپانی^۱، بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۴ تعداد مهاجران غیرقانونی مکزیکی ساکن در ایالات متحده تقریباً سه برابر شده و از ۲/۲ میلیون به ۶/۲ میلیون نفر رسیده است. این افزایش چشمگیر را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که بسیاری از مهاجران پس از اتمام کار موقت خود، به جای برگشت به خانه ترجیح می‌دهند در ایالات متحده بمانند تا از خطرهای متعاقب ناشی از عبور غیرمجاز مرزی پرهیز کنند (Andreas, 2009: 214). گروه‌های جنایتکار مکزیکی نیز کاملاً از تشدید سیاست‌های مرزی ایالات متحده در دهه ۱۹۹۰ و دهه اول ۲۰۰۰ سود برده‌اند؛ زیرا هم اکثر افرادی که می‌خواستند به طور غیرقانونی وارد قلمرو ایالات متحده شوند و هم قاچاقچیان مواد مخدر آمریکای جنوبی، به طور فزاینده‌ای مجبور بودند برای یافتن آسیب‌پذیری‌های موجود در سامانه حفاظت مرزی ایالات متحده به خدمات «حرفه‌ای» رجوع کنند (McCaul, 2007: 11-12). افزایش توانایی و قدرت مالی کارتل‌های مواد مخدر مناطق مرزی در جنایی‌شدن چشمگیر منطقه مرزی شمال مکزیک نقش داشته و اثر منفی عمیقی نیز بر نواحی مجاور در خود ایالات متحده گذاشته است؛ بنابراین، تلاش‌ها برای حصارکشی جریان‌های فرامرزی می‌تواند باعث تشدید و افزایش جنایی - شدن مواجهه بین «مرزبانان» و متجاوزان شود. چنین افزایشی می‌تواند بی‌پایان باشد. نوع دیگری از حصار را برای مثال می‌توان در مرزهای اسرائیل با قلمروهای فلسطینی و در مرز هند با پاکستان یافت که عمدتاً برای ممانعت از ورود مهاجران و تروریست‌ها طراحی شده است. این نوع مانع بی‌رحمانه‌تر است و به مسائل حقوق بشری کمتر توجه دارد و بیشتر به سمت مسائل ضد‌مهاجرتی متمایل است: میدان‌های مین، برقی کردن و دیگر روش‌های مشابه ممکن است در این روش به کار روند؛ حتی اگر باعث آسیب و تلفات

در میان تبهکاران و نیز شهروندان عادی شود. در بسیاری از موارد منافع صاحبان ملک و دارایی در این مناطق نیز در معرض آسیب قرار می‌گیرد؛ زیرا مقاماتی که مبادرت به ساخت موانع ضد تروریستی می‌کنند توجهی به حقوق این افراد ندارند (Bennet, 2003). همان‌طور که در عمل هم می‌توان مشاهده کرد، ساخت حصارها باعث کاهش تعداد حملات تروریستی می‌شود؛ اما به هیچ‌وجه باعث رفع کامل این مشکل نمی‌شود؛ مهاجمان می‌توانند از طریق حفاری از مرز عبور کنند (همان‌طور که در ژوئن ۲۰۰۶ مهاجمان غزه‌ای این کار را با گروگان‌گرفتن یک سرباز اسرائیلی به نام گیلاد شالیت انجام دادند). یا با همکاری همدستان خود در کشور مطلوب یا دیگر روش‌ها وارد آن کشور شوند (برای مثال فلسطینیان اسرائیل را با راکت‌های قسام^۱ هدف قرار می‌دهند) (Golunov, 2016: 120). ساخت حصار موجب تشدید تنش بین کشور محصور شده و همسایگانش می‌شود و بنابراین باعث به تعویق افتادن توافق صلح‌آمیزی می‌شود که می‌تواند بر طرف‌کننده نیاز به وجود حصارها باشد. اما اگر چشم‌انداز رسیدن به چنین توافقی چندان مطلوب نباشد، حصارکشی مرز می‌تواند راه‌حلی وسوسه‌انگیز باشد. این کار می‌تواند محبوبیت سیاست‌مداران تندرو را افزایش دهد و بخشی از مردم ممکن است به این نتیجه برسند که با این کار در برابر «دیگران» خطرناک و تهاجمی، از محافظت بیشتری برخوردار هستند. کاهش قاچاق بزرگ‌مقیاس مواد مخدر می‌تواند به‌عنوان یکی از دلایل اصلی ساخت حصار مرزی مطرح شود؛ اما تردید وجود دارد که آیا این نوع مانع می‌تواند باعث برآوردن این مقصود شود یا خیر؟ و آیا پول هنگفتی که بر روی آن هزینه می‌شود توجیه دارد یا خیر. در واقع، کارایی حصارها در برابر قاچاق مواد مخدر قابل‌بحث است: مواد مخدر می‌تواند از طریق ایست‌بازرسی‌ها، پرتاب کردن از روی دیوار، تحویل در سراسر مرز با کمک کپوترهای حامل و ... عبور داده شود؛ بنابراین جای تعجب نیست که برآورد شده کارایی مانع جداکننده ایالات متحده - مکزیک در برابر قاچاق مواد مخدر بسیار پایین است: طبق یک ارزیابی رسمی ۱/۵ تا ۳ درصد کوائین قاچاق‌شده از طریق این مرز را مرزبانان و افسران گمرکی توقیف می‌کنند (McCaul, 2007: 4). یکی دیگر از علت‌هایی که ممکن است انگیزه‌ای قوی

در کشورها برای ساخت دیوار و حصار پیرامون مرزها ایجاد کند مسائل و موضوعات اقتصادی است. در واقع ثبات مرزهای مشترک و استراتژی‌های مدیریت مرزی از اهمیت زیادی نزد سیاست‌گذاران برخوردار است. نابرابری اقتصادی در دو سوی یک مرز مشترک ممکن است انگیزه‌هایی برای افراد ایجاد کند تا مبادرت به فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی کنند و پیامدهای اقتصادی و امنیتی آن دامن‌گیر حکومت‌ها شود. نابرابری شرایط اقتصادی در دو سوی یک مرز بر کارایی مرزها به عنوان یک نهاد تأثیرگذار است. مرزها ممکن است اقتصادهای مجزا و دارای سطوح توسعه بسیار متفاوت و چه بسا بی‌ثبات را از هم جدا کنند. این بی‌ثباتی احتمال ساخت دیوار و حصار را به شدت افزایش می‌دهد. محققان با مطالعه بر روی دیوارهای جداساز که در فاصله سال‌های ۱۸۰۰ میلادی تا ۲۰۱۴ ساخته شده است به نتایج جالبی رسیده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد ۵۰ درصد از دیوارهای مرزی که در دو قرن گذشته ساخته شده‌اند در دوره پس از جنگ سرد ایجاد شده‌اند و این حکایت از آن دارد که در عصر جهانی‌شدن، استراتژی‌های مدیریت مرزی تهاجمی و یک‌جانبه در حال اعمال است. این دسته از محققان اعتقاد دارند با وجود افزایش حجم کالاها و افرادی که از مرزها عبور می‌کنند، مرز همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است. در واقع از نظر آنها روند دیوارهای مرزی نشان می‌دهد که به موازات افزایش حجم کالاها و افرادی که از مرز عبور می‌کنند، استراتژی‌های مدیریت مرزی تهاجمی نیز افزایش پیدا کرده است. به نظر این گروه از محققان، نابرابری اقتصادی مرزی بهترین گزینه پیش‌بینی‌کننده دیوارهای مرزی است؛ زیرا دیوارهای پس از جنگ سرد بیشتر از آنکه به موضوعات امنیتی سنتی و ایجاد استحکامات در برابر کشورهای رقیب ربط داشته باشند به ساخت استحکامات در برابر مهاجرت ناخواسته و تجارت غیرقانونی ربط دارند (Carter&Poast, 2015:2). در کل، ساخت حصارهای مرزی راهبرد خوبی برای حفاظت مرزی نیست و کارشناسان، فعالان و رسانه‌های جمعی به دلایل موجهی آن را نقد می‌کنند. حصار مرزی بسیار پرهزینه است، موجب نقض متعدد حقوق بشر، تشدید انزوای کشور و جامعه می‌شود. بدین ترتیب ساخت مانع نمی‌تواند راه‌حلی نهایی باشد و در بهترین حالت شاید بتواند قدری مقیاس مشکل را تقلیل داده و یا تا حدی وضعیت را تغییر دهد. اما باید به یاد داشت که حصارکشی یک کشور در برابر قلمروهای مزاحم مجاور، اغلب یک انتخاب بد از میان

مجموع گزینه‌های بد است و در بهترین حالت نیز پیامدهای سیاسی داخلی ناخوشایندی برای دولت به همراه دارد. با مبادرت به ساخت حصار، دولت حداقل به مردم نشان می‌دهد که «کاری انجام شده است» و زمانی که «دیگری» خطرناک به وسیله یک مانع مرئی جدا می‌شود، این برداشت در افراد ایجاد می‌شود که احساس امنیت بیشتری دارند.

نتیجه‌گیری

ساخت دیوار در میان جوامع انسانی پدیده‌ای رایج محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را امری بی‌سابقه دانست. وقتی دیواری احداث می‌شود، در هر مقیاس و هر سطحی که می‌خواهد باشد - سطح حکومتی، سطح فردی، سطح اجتماعی - حاوی نوعی پیام است. پیام جداسازی «ما» از «آنها»، «خود» از «دیگری»، «مطلوب» از «نامطلوب»، پیام ایجاد مرز و حصارکشی متعلقات و دارایی‌ها. دیوارهای حکومتی از نظر مقیاس و میزان تأثیرگذاری در مقایسه با سطوح فردی و اجتماعی دارای اثرگذاری بسیار بیشتری هستند. زمانی از فضا تنها دیوار چین به خوبی قابل مشاهده بود، اما با شتاب کنونی حکومت‌ها در ساخت دیوارهای مرزی ممکن است روزی بتوان از فضا به خوبی مرزهای بین کشورها را مشاهده کرد و زمین مثل یک نقشه سیاسی دارای مرزهای سرزمینی به نظر برسد. حصارهای مرزی برای اینکه بتوانند گزینه مطلوبی برای جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی و تروریسم باشند، راه بسیار طولانی‌ای در پیش دارند؛ حصارهای مرزی حتی در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و دیگر انواع قاچاق هم چندان کارآمد نیستند. برای عملکرد بهتر آنها و برای داشتن مدیریت مرزی کاملاً کارآمد، همراه با سطح فساد پایین در میان مرزبانان و خدمات گمرکی، تجهیزات بسیار گران‌قیمتی لازم است. جای تعجب نیست که این روش حفاظت از مرز به هدف بسیار آسانی برای منتقدان تبدیل شده است. اما تصمیم به ساخت حصار معمولاً یکی از گزینه‌هاست؛ نه بین گزینه‌های خوب و بد، بلکه تنها بین گزینه‌های بد! انتخابی که تحت فشار شدید از جانب شرایط خارجی و افکار عمومی داخلی اتخاذ می‌شود. کارآمدی حصارکشی به‌عنوان یکی از روش‌های حفاظت از مرز را بسته به دیدگاه مفهومی محققان می‌توان به صورت‌های متفاوتی ارزیابی کرد. حامیان رویکرد ژئوپلیتیکی سنتی می‌توانند در حصارکشی چیزی شبیه احیای مرزهای شبه‌طبیعی ببینند. درست همانند واکنش دولت‌های ملی به چالش‌های غیرسنتی. پست مدرنیست‌های رادیکال نیز به نوبه خود این وضعیت را تلاش‌های بیهوده دولت‌ها برای

مقاومت در برابر جریان‌های فراملی غالب می‌دانند. در عین حال، اختلاف نظرها دربارهٔ بقا یا مرگ ناگزیر حصارهای مرزی، دربارهٔ اولویت مادی یا اجزای ایده‌آل آن‌ها و دربارهٔ عدالت یا بی‌عدالتی این نوع سفت و سخت از حفاظت سرزمینی، کمک چندانی به حل مشکلات افرادی که اکنون با آن روبرو هستند و نمی‌توانند به صورت عادی از یک مرز عبور کنند، نمی‌کند؛ برای کسانی که به خاطر جرایم مرزی احساس ناامنی می‌کنند نیز حاصلی ندارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد تحقیقات دربارهٔ حصارهای مرزی باید بر جستجوی راه‌حل‌های عملی متمرکز شود. گزینه‌های افراطی مانند تخریب فوری موانع نیز به نظر نمی‌رسد راه حل مطلوبی باشد؛ زیرا ممکن است به تشدید منازعات فعلی و ظهور مرزهای فیزیکی و مجازی جدیدی منجر شود که شاید پیامدهای حتی نامطلوب‌تری به همراه داشته باشد؛ بنابراین، راه‌حل احتمالی را شاید بتوان در کاهش تدریجی سیاست‌های مرزی پیدا کرد، از طریق ترتیب دادن گفتگو بین کشورهای همسایه و بین دولتی که سعی می‌کند خود و اجتماع را از حجم انبوهی از متجاوزانی که از راه می‌رسند، محافظت کند.

منابع

الف) انگلیسی

- Albert, M. (1998). On Boundaries, Territory and Postmodernity: An International Relations and Are They Likely to Work?" Conference, *Raoul-Dandurand Chair of Strategic and Diplomatic Studies, Fences and Walls in International Relations conference*, UQAM, October:
<http://polisci.berkeley.edu/people/faculty/WittenbergJ/Barriers%20to%20Entry%20UQAM.pdf> [May 25, 2013].
- Andreas, P. (1999). *Sovereigns and Smugglers: Enforcing the U.S.–Mexico Border in the Age of Economic Integration*. PhD dissertation, Ithaca: Cornell University.
- Andreas, P. and T. Snyder (eds). (2000). *The Wall Around the West: State Borders and Immigration Controls in North America and Europe*, Lanham, Rowman and Littlefield.
- Balibar, É. (2004). *We, the People of Europe? Reflections on Transnational Citizenship*, trans. J. Swenson, Princeton: Princeton University Press.
- BDS. (2011). Brazil Military Relations with Israel, Stop The Wall, mars. Available at http://www.bdsmovement.net/files/2011/03/brazilian_military_ties_with_israel.pdf (accessed 15/01/2013).
- Bennet, J. (2003). Israel Destroys Arabs' Shops in West Bank, *The New York Times*, 22 January. *Border Regime, Environment and Planning D: Society and Space* 28: 957–76.
- Brown, Wendy. (2010). *Walled States, Waning Sovereignty*. Boston: MIT Press.
- Buzan, B. and E. Herring. (1998). *The Arms Dynamic in World Politics*, Boulder, Lynne Rienner.
- Buzan, B., O. Waever and J. de Wilde. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*, Boulder, Lynne Rienner Publishers.
- Carter, David, Poast, Poul. (2015). Why Do States Build Walls? Political Economy, Security, and Border Stability, *Journal of Conflict Resolution*, 1-32.
- Conklin, J. (2006). *Dialogue Mapping. Building Shared Understanding of Wicked Problems*. Hoboken: John Wiley & Sons.
- Cordesman, A.H. and N. Obaid. (2005). *Saudi Arabia – Threats, Responses and Challenges*, Westport, Prager et CSIS.
- Dal Lago, A. (2005). Note Sulla militarizzazione delle contiguità, *Conflitti Globali*, no. 2. Available at http://www.libertysecurity.org/IMG/pdf_conflitti2.pdf (accessed 21/07/2011).
- Davis, M. (2007). *In Praise of Barbarians: Essays against Empire*. Chicago: Haymarket Books.

- Davis, M. and J. Akers Chacón. (2006). *No One Is Illegal: Fighting Racism and State Violence on the U.S.–Mexico Border*, Chicago, Haymarket Books.
- Ferrer-Callardo, X. (2008). The Spanish–Moroccan Border Complex: Processes of Geopolitical, Functional and Symbolic Rebordering, *Political Geography*, 27, 301–21.
- Ganster, P. and D.E. Lorey. (2008). *The U.S.–Mexican Border into the Twenty-First Century*, Lanham, Rowman and Littlefield.
- GAO – United States Government Accountability Office. (2011a). Arizona Border Surveillance Technology – More Information on Plans and Costs is needed before Proceeding, *Report to Congressional Requesters*, GAO-12-22, November.
- Golunov, S. (2011). Border Security: Problem of Conceptualization, *International Research Society. Politics. Economics* 1: 11–21.
- Golunov, S. (2012). *EU–Russian Border Security: Challenges, (Mis)perceptions, and Responses*, London: Routledge.
- Golunov, Serghei. (2016). *Border Fences in the Globalizing World: Beyond Traditional Geopolitics and Post-Positivist Approaches, in Borders, Fences and Walls State of Insecurity?* Edited by Elisabeth Vallet, London and New York, Routledge.
- Hassner, R. and Wittenberg, J. (2009). *“Barriers to Entry: Who Builds Fortified Boundaries* Hoboken: John Wiley & Sons.
- Hürriyet Daily News. 2011. Bulgaria mulls Turkish border fence to fight foot-and-mouth, *Hürriyet Daily News*, 19 January.
- Jansen, M. (2002). Non-aligned in the Middle East – What is the precise nature of Indo-Israeli relations, wonders Michael Jansen from New Delhi, *Al-Ahram Weekly*, 574, 21–27 February. *Justice: Diverse Ethical Perspectives*, edited by D. Miller and S.H. Hashmi, Princeton: Princeton University Press.
- Lash, S. and Urry, J. (1994). *Economies of Signs and Space*, London: Sage.
- Linebarger, Christopher, Braithwaite, Alex. (2020). Do Walls Work? The Effectiveness of Border Barriers in Containing the Cross-Border Spread of Violent Militancy, *International Studies Quarterly*, Volume 64, Issue 3, September 2020, Pages 487–498.
- Lomasky, L. (2001). *Toward a Liberal Theory of National Boundaries*, in *Boundaries and Justice: Diverse Ethical Perspectives*, edited by D. Miller and S.H. Hashmi, Princeton: Princeton University Press.
- McCarthy, R. (2009). Inside the Gaza Tunnels, *the Guardian*, 10 February.
- McCaul, M. (2007). Line in the Sand: Confronting the Threat at the Southwest Border, *US Representative Michael McCaul*. Available at: http://www.house.gov/sites/members/tx10_mccaul/pdf/Investigaions-Border-Report.pdf (accessed 22 February 2011).
- Newman, D. (2006). Borders and Bordering: Towards an Interdisciplinary Dialogue, *European Journal of Social Theory*, 9, 2, 172–86.
- Newman, D. (2006). The Lines that Continue to Separate Us: Borders in our Borderless World. *Progress in Human Geography*, 30: 1–19.

- Newman, D. (2010). *Territory, Compartments and Borders: Avoiding the Trap of the of Late Modernity*, in *The Geopolitics of Euro''s Identity: Centers, Boundaries, and Margins*, edited by N. Parker, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Paasi, A. (1998). Boundaries as Social Processes: Territoriality in the World of Flows. *Geopolitics*, 3(1): 69–88. Perspective, *Geopolitics* 3 (1): 53–68.
- Prozorov, S. (2008). *De-Limitation: The Denigration of Boundaries in the Political Thought of Late Modernity*, in *The Geopolitics of Europe's Identity: Centers, Boundaries, and Margins*, edited by N. Parker, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Robbins, T. (2012). U.S. Grows An Industrial Complex Along The Border, *NPR*, 12 September. Available at <http://www.npr.org/2012/09/12/160758471/u-s-grows-an-industrial-complex-along-the-border?ft=1&f=1001> (accessed 29/12/2012).
- Smith, M, Ray, S.B, Raymond, A, Siena, M, Lilly, M.B. (2018). Long-term lessons on the effects of post-9/11 border thickening on crossborder trade between Canada and the United States: A systematic review, *Transport Policy* (2018), <https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2018.03.013>. *Society. Politics. Economics* 1: 11–21.
- Staniland, P. (2005). Defeating Transnational Insurgencies: The Best Offense is a Good Fence. *The Washington Quarterly*, 2005–2006: 31–34.
- Steiner, H. (2001). Hard Borders, Compensation, and Classical Liberalism, in *Boundaries and Justice: Diverse Ethical Perspectives*, edited by D. Miller and S.H. Hashmi, Princeton: Princeton University Press.
- Sterling, B.L. (2009). *Do Good Fences Make Good Neighbors?* Washington DC, Georgetown University Press. Territorial Trap, *Geopolitics* 15 (4): 773–8. Two-faced Border and Immigration Regime of the EU, *Antipode* 39 (2): 291–309.
- Vallet, Elisabeth, David, Charles-Philippe. (2016). *Walls of Money: Securitization of Border Discourse and Militarization of Markets in Borders, Fences and Walls State of Insecurity?* Edited by Elisabeth Vallet, London and New York, Routledge.
- Vallet, Elisabeth. (2016). *Borders, Fences and Walls: State of Insecurity?* New York: Routledge.
- Van Houtum, H. (2010). *Human Blacklisting: The Global Apartheid of the EU's External Border Regime*, *Environment and Planning D: Society and Space* 28: 957–76.
- Van Houtum, H. and Pijpers, R. (2007). The European Union as a Gated Community: The Two-faced Border and Immigration Regime of the EU, *Antipode* 39 (2): 291–309.

استناد به این مقاله: کرمی، افشین. (۱۴۰۱). حکومت‌ها و گفت‌وگوهای دیوارکشی مرز: چالش‌ها و پیامدها. دولت پژوهی، ۳۰(۳)، ۳۵۰. doi: 10.22054/tssq.2022.67657.1249



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.